

پیتر جیمز هادسون

در سال‌های اخیر، بازنویسی تاریخ سرمایه‌داری و تشریح نحوه‌ی شکل‌گیری اقتصاد مدرن، از منظر ارتباط آن با نژادپرستی، برده‌داری، و استثمار سیاه‌پوستان مورد توجه جدی قرار گرفته است. این مقاله، با معرفی چهار کتاب مهم در این زمینه، تحلیل‌های مطرح در این آثار را مورد ارزیابی انتقادی قرار می‌دهد.

تاریخ جهانی امپراتوری پنبه، نوشته‌ی سون بکرت، انتشارات وینتیج، ۲۰۱۵

نیمی از داستان هرگز روایت نشده است: برده‌داری و برآمدن سرمایه‌داری آمریکایی، نوشته‌ی ادوارد باپتیست، انتشارات بیسیک بوکس، ۲۰۱۴

رودخانه‌ی رؤیاهای سیاه: برده‌داری و امپراتوری در قلمروی پادشاهی پنبه، نوشته‌ی والتر جانسون، انتشارات دانشگاه هاروارد، ۲۰۱۳

بهای رهایی: تملک بردگان، غرامت، و جامعه‌ی بریتانیا در پایان دوران برده‌داری، نوشته‌ی نیکلاس دریپر، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۳

ژان ژورس، سوسیالیست فرانسوی، یک دهه پیش از این که به دست یکی از ملی‌گرایان در سال ۱۹۱۴ به قتل برسد، اثری تاریخی منتشر کرد که روند پژوهش‌ها درباره‌ی انقلاب فرانسه را کاملاً دگرگون کرد. در حالی که دیگران بر منازعات سیاسی و ایدئولوژیک تمرکز داشتند، او در اثر چهار جلدی خود، **تاریخ سوسیالیستی انقلاب فرانسه**، به دگرگونی‌های ناشی از سرمایه‌داری در حال ظهور پرداخت. او بر اهمیت تحولات اقتصادی فرانسه تأکید داشت و، با استفاده از اسناد انقلاب، به بررسی مبارزات کارگران و کشاورزان فرانسوی پرداخت. هرچند پژوهشگران بعدی تلاش داشتند تا از مارکسیسم ژورس فاصله بگیرند، اثر او یک تاریخ‌نگاری سوسیالیستی «از پایین» بود، حتی پیش از آن که چنین اصطلاحی وضع شود. همچنین، دغدغه‌های تحلیلی او پیشگام‌گرایی در تاریخ‌نگاری است که اینک در این سوی اقیانوس اطلس در حال شکوفایی است: تاریخ‌نگاری سرمایه‌داری.

در چند سال گذشته، تاریخ‌نگاری سرمایه‌داری رشد فزاینده‌ای در آمریکا داشته است؛ بخشی از این محبوبیت ناشی از بحران مالی ۲۰۰۸ بود که باعث شد تردیدها درباره‌ی وعده‌های سرمایه‌داری مجدداً رواج پیدا کند. این نوع

تاریخ‌نگاری با نگاهی فارغ از محدودیت‌های رایج، به بررسی گروه‌هایی که از جریان اصلی تاریخ‌نگاری بیرون مانده‌اند (زنان و کارگران، کشاورزان و بردگان، سیاهان و همجنس‌گرایان) می‌پردازد. با این حال، با وجود آن که برخی از پژوهشگران بر قابلیت‌های دموکراتیک و فراگیر این گرایش تأکید دارند، سوگیری‌های نهادی و ایدئولوژیک آن اغلب در مسائل مورد علاقه و پژوهشگران برجسته‌ی این رشته مشهود است.

دیدگاه ژورس که مسائل اقتصادی را محرک اصلی تحول اجتماعی و سیاسی می‌دانست، سرمایه‌داری و مدرنیته را با یکدیگر مرتبط می‌دید، و برای نخبگان نقشی تاریخی قائل بود، در آثار تاریخ‌نگاران سرمایه‌داری نیز به چشم می‌خورد. اما شاید برجسته‌ترین نکته درباره‌ی این رشته آن باشد که نخبگان آن، هم از سنت روشنفکری رادیکالی که ژورس به آن تعلق دارد استفاده می‌کنند و هم آن را انکار می‌کنند. علاوه بر ژوره، نویسندگان سیاه‌پوستی مانند **ویلیام دوبوآ و سی. ال. آر. جیمز** نیز به این سنت فکری رادیکال تعلق دارند. علاقه‌ی این افراد به تاریخ سرمایه‌داری صرفاً امری دانشگاهی نبود، بلکه بخشی تفکیک‌ناپذیر از برنامه‌ی رهایی‌بخش دوران مدرن بود. شاید مسئله‌ی اصلی همین باشد: پژوهشی که ریشه‌های بنیادین خود را انکار می‌کند، با چه مشکلاتی مواجه است؟

انکار پژوهش‌های رادیکال در این گرایش تاریخ‌نگاری جدید بیشتر از هر جا خود را در نحوه‌ی مواجهه‌ی آن‌ها با برده‌داری نشان می‌دهد. برای مثال، ژورس باور داشت که بین سود حاصل از تجارت برده و رشد صنایع و ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری رابطه‌ای وجود دارد. جیمز نیز در کتاب خود، **ژاکوبن‌های سیاه: توسان لورتور و انقلاب سن دومینیگو (۱۹۳۸)**، دعاوی ژورس را تکرار کرد: «بازی تلخ تاریخ بشر... ثروت‌هایی که به کمک تجارت برده در بوردو و نانت انباشته شده بود، باعث به وجود آمدن غروری در طبقه‌ی بورژوازی شد که نیازمند آزادی بود و در نتیجه منجر به رهایی انسان‌ها شد.» جیمز در اثر دیگر خود نیز همین ادعا را تکرار می‌کند: «این طور که به نظر می‌رسد، برده‌داری سیاهان بنیان سرمایه‌داری آمریکایی است.»

دوبوآ در آمریکا به همان نتایجی دست یافت که جیمز در اروپا منتشر کرده بود. او در کتاب خود، **نقش سیاهان در بازسازی دموکراسی در آمریکا (۱۹۳۵)**، به نقش آمریکائیان آفریقایی‌تبار در حوادث پس از جنگ داخلی می‌پردازد. رهایی سیاه‌پوستان از بردگی هدیه‌ای از جانب سفیدپوستان نیک‌اندیش نبود؛ عامل عمده‌ی رهایی، مقاومت و مبارزه‌ی سیاه‌پوستان بود. دوبوآ نشان می‌دهد که بین برده‌داری آمریکایی و تثبیت سرمایه‌داری آمریکایی پیوستگی وجود دارد: برده به کارگر تبدیل شد.

این دعاوی با شک و خشم مواجه شده و ویلیامز و دوبوآ به چهره‌هایی حاشیه‌ای در دنیای پژوهش حرفه‌ای تبدیل شدند. اینک، هشتاد سال پس از انتشار آثار آن‌ها، تاریخ‌نگاری جدید سرمایه‌داری یا به صورت التقاطی از آن‌ها نقل قول می‌کند، یا آن‌ها را کاملاً نادیده می‌گیرد، و یا به نام نویسنده و زمینه‌ی اقتصادی-سیاسی‌ای که این آثار در آن شکل گرفته هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. کتاب‌های اخیر دو مورخ آمریکایی، سون بکرت و ادوارد بابتیست، نمونه‌هایی از این نوع گرایش‌اند.

کتاب بکرت، تاریخ جهانی امپراتوری پنبه، از ستایش شده‌ترین آثار اخیر در تاریخ سرمایه‌داری است که تلاش دارد تاریخ جهان مدرن را با استفاده از اقتصاد سیاسی پنبه بازنویسی کند. نویسنده بر این نکته تأکید دارد که تجارت پنبه و سرمایه‌داری از همان ابتدا فعالیت‌هایی به شدت جهانی بودند زیرا جست‌وجوی بازار و تلاش برای دستیابی به مواد خام و نیروی کار از مرزهای خشکی و دریا فراتر می‌رفت. او با کاوش در بایگانی‌های فراملی و با استفاده از نوشته‌های سایر پژوهشگران، سعی در اثبات این ادعا دارد.

بحث محوری کتاب بکرت درباره‌ی چیزی است که او آن را «سرمایه‌داری جنگی» می‌خواند. منظور او از این اصطلاح، پیش‌درآمد خونین ظهور سرمایه‌داری پیشرفته است: انباشت ثروت ناشی از به بردگی کشیدن آفریقایی‌ها، سلب مالکیت بومی‌ها از زمین‌هایشان، استفاده از زور و کشتار برای کنترل نیروی کار و تسخیر سرزمین‌ها، و برآمدن دولتی امپریالیستی که قوانین و سیاست‌های آن در خدمت طبقه‌ی سرمایه‌دار در حال ظهور بود. او می‌نویسد: «ما معمولاً فکر می‌کنیم سرمایه‌داری، حداقل نوع جهانی و مبتنی بر تولید انبوه آن که امروزه برایمان آشناست، با انقلاب صنعتی و در حدود سال ۱۷۸۰ پدید آمد. اما سرمایه‌داری جنگی، که در قرن شانزدهم تکوین یافت، خیلی پیش از ماشین‌ها و کارخانه‌ها به وقوع پیوست. برای ما سرمایه‌داری با کارگران حقوق‌بگیر تعریف می‌شود، اما این مرحله‌ی ابتدایی سرمایه‌داری مبتنی بر برده‌داری بود و نه کار آزاد. ما سرمایه‌داری را با قراردادهای و بازار مرتبط می‌دانیم، اما سرمایه‌داری ابتدایی در اکثر اوقات مبتنی بر خشونت و آزار جسمانی بود.» بکرت این مرحله را «مرحله‌ای مهم در تکوین سرمایه‌داری» می‌داند که اغلب «مورد بی‌توجهی قرار گرفته است» و تاریخ آن را کسانی که «مشتاق بودند روایتی باشکوه و فارغ از پلیدی» ارائه کنند، «زدوده‌اند.»

اما او چرا اشاره‌ای به نژاد این افراد ندارد؟ بی‌شک، بسیاری از مورخان سیاه‌پوست مشتاق نیستند چنین روایتی ارائه کنند. این که او می‌گوید «ریشه‌های غیرلیبرالی سرمایه‌داری» اغلب مورد بی‌توجهی قرار گرفته اما کاوشی درباره‌ی علل این نادیده‌نگاری انجام نمی‌دهد، می‌تواند باعث کژفهمی شود. تصادفی نیست که روشنفکرانی که به این خشونت در دوران ابتدایی سرمایه‌داری توجه نشان دادند، اغلب از پژوهش‌های خود برای مقاصد سیاسی استفاده کرده‌اند؛ اما در این اثر نامی از این افراد برده نمی‌شود. این کتاب ارجاع درستی به تاریخ‌نگاری رادیکال ندارد. نتیجه‌ی کار روایتی غیرتاریخی از مسئله‌ای تاریخی است که در آن زمینه‌ی سیاسی و نژادی کارهای پژوهشی نادیده گرفته می‌شود. هدف من این نیست که با اشاره کردن به کسانی که بکرت در اثر خود به آن‌ها ارجاع نداده، کتاب او را بی‌ارزش نشان دهم. اما بی‌توجهی تاریخ‌نگارانه به این افراد، تنها باعث می‌شود تا روشنفکران رادیکالی مانند دویوآ و کارهایشان بیشتر در حاشیه قرار بگیرند.

تاریخ‌نگاری بی‌توجه به مسائل نژادی که بکرت ارائه کرده خود را در طفره رفتن او از پرداختن به نقش نژاد، نژادپرستی، و برترپنداری نژاد سفید در شکل‌گیری و سازمان‌دهی امپراتوری پنبه نشان می‌دهد. بکرت بر نقش برده‌داری در برآمدن سرمایه‌داری تأکید دارد، اما او نقش نژاد را در پیدایش هر دو پدیده نادیده می‌گیرد. در حالی که

بنا بر توصیف او، سلسله‌مراتب جهانی کار و تولید در سرمایه‌داری مدرن هردو آشکارا مبتنی بر نژاد اند، بکرت اهمیت سفیدپوست بودن صاحبان صنایع را نادیده می‌گیرد؛ گویی که نژاد و سفیدپوست بودن آن‌ها امری تصادفی بوده است. به طور کلی، نژاد و نژادپرستی در روایت بکرت تنها اموری حاشیه‌ای محسوب می‌شوند. او در این کتاب چند صد صفحه‌ای، تنها چند مرتبه به این مسائل اشاره‌ی مستقیم دارد. او با حذف عنصر نژاد از بسیاری از مدارکی که آشکارا اهمیت نژادی دارند ناخواسته نشان می‌دهد که سرمایه‌داری جنگی بی‌تردید پروژه‌ای نژادی بوده است.

*

ادعای اصلی ادوارد باپتیست در کتاب **نیمی از داستان هرگز روایت نشده است** این است که سود و انباشت ثروت ناشی از برده‌داری به شکل‌گیری سرمایه‌داری مدرن کمک کرده است. او نیز مانند بکرت به تاریخ صنعت پنبه می‌پردازد، اما اگر داستان بکرت درباره‌ی جهانی است که برده‌داران ساختند، باپتیست روایتگر جهانی است که بردگان ایجاد کردند: «بردگان آمریکایی آفریقایی تبار، آمریکای جدید را ساختند... در واقع آن‌ها تمام جهان مدرن را - به شیوه‌هایی که هم آشکار و هم نهان است - ساختند.» بخش اول این ادعا جدید نیست و این نیمه‌ی داستان را پژوهشگران متعدد دیگری (که اغلب آن‌ها سیاه‌پوست بوده‌اند) روایت کرده‌اند. اما این ادعا که بردگان آفریقایی جهان مدرن را ساخته‌اند، نادرست است. کتاب باپتیست سرشار از این گزافه‌گویی‌ها است و در نتیجه دیدگاهی که در آن ارائه می‌شود ساده‌انگارانه است. اما آنچه در اثر باپتیست بدیع است نه روایت بلکه نحوه‌ی روایت کردن است؛ او تلاش دارد تا مخاطبانی خارج از فضای دانشگاهی بیابد.

یکی از اهداف او در این اثر بازنمایی زندگی سیاه‌پوستان در دوران گذشته است. باپتیست نه تنها تلاش دارد تا در تاریخ سرمایه‌داری و مدرنیته به سیاه‌پوستان نقشی محوری بدهد بلکه می‌خواهد روایتگر صداها، احساسات، و اندیشه‌های آن‌ها نیز باشد. نویسنده حسن نیت دارد، اما چنین کاری از جهات مختلف قیم‌مآبانه است و نتیجه‌ی این سبک روایت تاریخی می‌تواند متنی احساساتی باشد. اما نکته‌ی اصلی این است که در تلاش باپتیست برای بازگویی زندگی سیاه‌پوستان، به مقاومت آن‌ها اشاره‌ای نشده است. در واقع در همان ابتدای اثر، او ادعاها درباره‌ی شیوع شورش بردگان در آمریکا را رد می‌کند. او با انکار مقاومت، روایتی لیبرال از ادغام سیاه‌پوستان در جامعه‌ی آمریکا به دست می‌دهد که در آن سیاه‌پوستان همواره آمریکایی خوانده می‌شوند. اما آفریقا چه نقشی در این میان دارد؟ برخلاف آثاری که استدلال می‌کنند آفریقا نقشی مستقل و محوری در فرهنگ و آگاهی سیاه‌پوستان دارد، در روایت باپتیست از زندگی سیاه‌پوستان در آمریکای قرن نوزدهم، آفریقا چیزی جز ردی باقی‌مانده از یک دنیای بیگانه نیست.

*

در حالی که بکرت و باپتیست تاریخ‌نگاری رادیکال برده‌داری را نادیده می‌گیرند، کتاب‌های اخیر والتر جانسون و نیکلاس درپیر به طور مستقیم به این نوع تاریخ‌نگاری می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه می‌توان به نحوی مؤثر از بینش‌های آن استفاده کرد. جانسون در **رودخانه‌ی رؤیاهای سیاه** ادعا می‌کند که وامدار سنت رادیکال است، و به

طور مستقیم وارد بحث ارتباط سرمایه‌داری و برده‌داری می‌شود. او استدلال می‌کند که استفاده از زبان نظری انتزاعی درباره‌ی سرمایه‌داری تنها باعث می‌شود تا آنچه واقعاً روی داده از نظر پنهان بماند. از نظر او، نژاد و برترپنداری نژاد سفید نقشی محوری در تکوین سرمایه‌داری داشته‌اند.

بنا بر استدلال جانسون، می‌توان از منظر «سرمایه‌داری نژادی-برده‌دارانه» به تنش‌های سیاسی و اقتصادی در قرن هجدهم و نوزدهم در دره‌ی می‌سی‌سی‌پی نگریست؛ این اصطلاح نشان می‌دهد که چگونه برترپنداری نژاد سفید به منطقی اقتصادی تبدیل می‌شود و همین منطقی نیز در مقابل یک سلسله‌مراتب نژادی ایجاد می‌کند. در این منطقی اقتصادی، پنبه نقشی محوری دارد. جانسون با به‌کارگیری روش‌شناسی مارکس برای رمزگشایی از «هیروگلیف اجتماعی» کالا، به توصیف استحاله‌هایی شوم می‌پردازد: استحاله‌ی انسان‌ها به ماشین‌ها، و استحاله‌ی تن و زمین به سرمایه - و سرمایه هم که تاریخ مدرنیته را رقم زده است.

جانسون درباره‌ی بدن «بردگان» واقعیت را روایت می‌کند: از آن‌جا که مردان و زنان سیاه‌پوست برای سفیدپوستان ابزار و وسیله‌ای برای انباشت سرمایه بودند، بدن آن‌ها زیر ستم قرار داشت. البته این به آن معنا نیست که او به مقاومت سیاه‌پوستان بی‌اعتنا است. او بیش از بابتیست به این مسئله می‌پردازد و بر اراده و نقش‌آفرینی سیاه‌پوستان تأکید دارد. از نظر جانسون، مقاومت سیاه‌پوستان به صورت شورش بروز پیدا می‌کند: تاریخ مقاومت را باید با توجه «تن‌های کوفته‌ای» نوشت که در روایت‌های سیاه‌پوستان از خشونت‌های دفاعی و آزادی‌خواهانه وجود دارد. اما مهم‌تر از آن این است که، مقاومت در کار و از طریق کار مجال بروز می‌یابد: تکرار وظایف (مهم نیست که این وظایف چه اندازه اجباری یا از خود بیگانه‌ساز بودند) در کارگران سیاه‌پوست آن مهارت، دانش، و توان فکری‌ای را به وجود می‌آورد که برای بقا ضروری بود. در برابر این پرسش لیبرالی که آیا سفیدپوستان سیاه‌پوستان را در دوران برده‌داری انسان می‌دانستند، جانسون چنین پاسخ می‌دهد: «برای درک بهتر برده‌داری، می‌توان آن را تلاشی سازمان‌یافته برای انسانیت‌زدایی از بردگان دانست.» انسانیت‌زدایی یعنی از بین بردن قوای انسانی در عین حفظ ظاهر انسانی فرد - امری که زشتی و پلیدی آن دوچندان است.

اثر جانسون در تقابل با روایتی لیبرالی از جنگ داخلی آمریکا قرار دارد که جنوب را مکان جغرافیایی مشخص و همگنی می‌داند. جانسون نشان می‌دهد که جنوبی‌ها برای حفظ برده‌داری و برتری نژادی خود، ایدئولوژی توسعه‌طلبانه‌ای اتخاذ کردند. بحران نژادی و اقتصادی منجر به پیدایش امپریالیسم جنوبی شد، و تلاش‌ها برای ملحق کردن کوبا و نیجریه به این امپراتوری مبتنی بر اسارت به اندازه‌ی امپراتوری آزادی **جفرسون** (که همان طور که جانسون اشاره می‌کند، سرشار از برترپنداری نژاد سفید بوده) فعال و پویا بود. این دیدگاه امپریالیستی بیش از همه در تلاش جنوبی‌ها برای بازگشایی تجارت برده در دهه‌ی ۱۸۵۰ آشکار می‌شود. شکست خوردن این تلاش‌ها و ناکام ماندن ائتلاف ایالت‌های جنوبی نتوانست تضمین کند که سیاه‌پوستان پس از رهایی از زنجیر بردگی، بتوانند به آزادی‌های دیگر نیز دست بیابند.

*

نیکلاس درپیر در **بهای رهایی** به مسئله‌ی آزادی بردگان می‌پردازد. محور اصلی این کتاب، لحظه‌ای تاریخی است: اول اوت سال ۱۸۳۴، روز لغو برده‌داری در مستعمرات بریتانیایی. او با استفاده از مطالب بایگانی موجود در «کمسیون غرامت بردگان» (دفتری دولتی برای رسیدگی به دعاوی صاحبان برده درباره‌ی ضرری که به سبب آزادی بردگان متحمل شده‌اند) به مطالعه‌ی تأثیر برده‌داری بر نخبگان و اشراف سفیدپوست در انگلستان می‌پردازد. در حالی که بردگان پس از آزادی چیزی دریافت نکردند، کمک مالی دولت به برده‌داران بزرگ‌ترین پرداخت دولتی در تاریخ انگلستان است: ۲۰ میلیون پوند (ارزش امروزی آن حدود ۱۷ میلیارد پوند است).

درپیر به صورتی روشمند و با استفاده از منابع بایگانی، اهمیت برده‌داری برای اقتصاد انگلستان را آشکار می‌کند. او همچنین با استدلال‌هایی دقیق نشان می‌دهد که برده‌داری برای پیدایش و توسعه‌ی بخش‌هایی از اقتصاد مدرن چه اهمیتی داشته است. پژوهش درپیر بخشی از پروژه‌ای تاریخی و بایگانی‌سازی برای داده‌های مربوط به انگلستان و حوزه‌ی کارائیب است. او به همراه کاترین هال و گروهی از پژوهشگران در کالج دانشگاهی لندن، پایگاه اطلاعات اینترنتی را با عنوان **میراث برده‌داری بریتانیایی** ایجاد کرده است. در این پایگاه اینترنتی نه تنها می‌توان دعاوی درخواست غرامت را مشاهده کرد بلکه نام و تبار برده‌داران و بردگان سابق نیز در دسترس قرار دارد. همچنین مجموعه‌ای از اطلاعات درباره‌ی تاریخ، فرهنگ، جامعه، و اقتصاد سیاسی در قرن نوزدهم در انگلستان و حوزه‌ی کارائیب در این پایگاه وجود دارد. این پایگاه جزئیات تاریخی‌ای را در قالب متن فراهم می‌آورد که هم حضور پایدار گذشته‌ی برده‌داری بر سرمایه‌داری معاصر را تأیید می‌کند و هم اهمیت ماندگار پرسش‌های مطرح در سنت رادیکال را نشان می‌دهد.

برگردان: هامون نیشابوری

پیتر جیمز هادسون پژوهشگر و استادیار رشته‌ی «تاریخ و مطالعات آمریکائیان آفریقایی‌تبار» در دانشگاه یوسی‌ال‌ای در آمریکا است. آنچه خواندید برگردان بخش‌هایی از این نوشته‌ی او است:

Peter James Hudson, 'The Racist Dawn of Capitalism: Unearthing the Economy of Bondage,' *Boston Review*, 14 March 2016.